

قطع برق خسارت ۷ میلیارد دلاری به صنایع ایران وارد کرد

تنگنای برق



بحران انرژی و جهش قیمت برق و گاز این روزها سوزۀ داغ بسیاری از رسانه‌های جهان است و برخلاف تصور بسیاری، این بحران می‌تواند دامنگیر ایران هم شود. قطع برق سال گذشته هفت میلیارد دلار خسارت به صنایع ایران وارد کرد. این آماری است که اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران منتشر کرده و گوشه‌ای از زیان سنگین ناترازی انرژی در بازار ایران را به تصویر کشیده است. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که ایران دومین مالک بزرگ ذخایر گاز جهان است و بخش عمده‌ای از نیروگاه‌های برق آن با سوخت گاز کار می‌کنند. اما عقب‌ماندگی تاریخی در بهره‌برداری از منابع گازی و تحریم موجب شده است که ایران نه‌تنها نتواند در بازار انرژی جهان حرفی برای گفتن داشته باشد که خود حاکی پلا از واردکنندگان برق و گاز است.

واردات برق از صادرات پیشی گرفت

ناترازی در بازار انرژی ایران این روزها، موجب جیره‌بندی برق و گاز صنایع شده است. صنایعی که تابستان‌ها با کمبود برق و زمستان‌ها با کمبود گاز مواجه هستند و به ناچار به مازوت‌سوزی روی می‌آورند. مازوت‌سوزی صنایع بارها ایران را به صدر فهرست کشورهای با بیشترین آلانژدگی هوارسانده و هنوز هم روشنایی شهری در بسیاری از بزرگراه‌ها و خیابان‌های شهر تهران ضعیف است تا کمبود برق رقم واردات انرژی را درشت‌تر نکند. بر اساس آخرین گزارشی که روی درگاه وزارت نیرو منتشر شده، واردات برق تا پایان تیر ۱۴۰۱ نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۵۱.۴ درصد رشد داشته و در مقابل صادرات برق در همین دوره کاهش ۶۰درصدی را تجربه کرده است. این در حالی است که آرش کردی، مدیرعامل شرکت توانیر، مدعی شده که ناترازی برق امسال کاهش داشته است؛ او دیروز در یک نشست خبری گفته است که بیش از دوسوم از میزان حجم مبادلات برق امسال مربوط به صادرات و یک‌سوم به واردات مربوط بوده و تا سقف هزارو ۵۰۰ مگاوات امکان صادرات وجود دارد. بر اساس ادعای او میزان کسری برق سال گذشته عددی بین ۱۲ تا ۱۳ هزار مگاوات بود که امسال این رقم حدود ۳۵ درصد کاهش یافته و به کمتر از ۱۰ هزار مگاوات رسیده است. ادعایی که با آمارهای واردات و صادرات برق امسال همخوانی ندارد، چراکه بر اساس گزارش وزارت نیرو نه‌تنها در تیرماه امسال واردات برق رشد بیشتر از ۵۱درصدی و صادرات برق کاهش ۶۰درصدی داشته است که در ماه‌های نخست سال ۱۴۰۱ نیز گزارش‌های مشابهی از رشد واردات و کاهش صادرات برق وجود دارد. آن‌هم در حالی که در ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۱ اوج مصرف برق هنوز رخ نداده بود. بر اساس گزارش وزارت نیرو در دوماه ابتدایی امسال

صادرات برق ۷۳ درصد افت داشته است و ایران در دوره زمانی یادشده تنها ۴۳۴ میلیون کیلووات ساعت صادرات برق داشته که یک‌سوم دور مشابه پارسال است. همچنین در این دوره زمانی، واردات برق کشور هم با رشدی تقریباً دوبرابری به ۶۸۸ میلیون کیلووات ساعت رسیده است. ایران از جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان برق وارد می‌کند و به عراق، پاکستان و افغانستان صادرات برق دارد و تا سال ۱۳۹۷، صادرات برق کشور چندین برابر واردات برق بود، اما تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه‌های جدید و رشد مصرف داخلی برق باعث شد تراز تجارت برق کشور منفی شود.

دود ناترازی برق در چشم صنایع ایران

دود ناترازی انرژی در ایران بیش از همه در چشم صنایع رفته است و اگرچه ایران یک کشور صنعتی به شمار نمی‌آید، اما تأمین انرژی همین تعداد صنایع موجود با مضیقۀ مواجه شده و دولت برای اینکه مانع از قطع گاز و برق منازل شهروندان ایرانی نشود، ناچار شده است که تابستان‌ها برق و زمستان‌ها گاز صنایع را جیره‌بندی کند. البته نگهداری دامنه ناترازی برق به خانه شهروندان ایرانی هم رسیده و سال گذشته قطع برق خانگی بارها موجب اعتراض بسیاری از شهروندان شد. سال گذشته دامنه ناترازی برق به زمستان هم رسید و دولت برای صرفه‌جویی در مصرف برق، روشنایی شهری معابر را کاهش داد. در آن زمان شرکت توزیع برق توضیح داد که ذخایر سوخت نیروگاه‌ها به حد کافی تأمین نشده و نیروگاه‌های گازسوز دچار مشکل شده‌اند. هم‌زمان صنایع برای تأمین گاز زمستانه خود هم دچار مشکل شدند و به مازوت‌سوزی روی آوردند که نتیجه آن آلودگی شدید هوا و تعطیلی ادارات و مدارس بود. حالا علی رسولیان، رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی

ایران از خسارت سنگین قطع برق به صنایع در سال گذشته خبر داده و گفته است که بر اساس آمار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، تابستان ۱۴۰۰ بخش صنایع هفت میلیارد دلار از خورشیدی وارداتی و گران‌قیمت است و دولت هر کیلووات برق خورشیدی را حدود هزارو ۳۰۰ تومن می‌خرد و با بارانه سنگینی حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومن به مشترکان می‌فروشد

طبیعی است که در چنین شرایطی توسعه نیروگاه‌های برق صرفه اقتصادی ندارد.

تنش تولید در نیروگاه‌های برق

ناترازی برق در شرایطی رخ می‌دهد که ایران گرفتار بحران آب است و بخش درخور توجهی از نیروگاه‌های برق‌آبی با حداقل ظرفیت تولید کار می‌کنند. از آن سمت بخش عمده‌ای از نیروگاه‌های برق ایران نیروگاه‌های حرارتی با راندمان پایین هستند. بر اساس آخرین گزارش وزارت نیرو، ظرفیت اسمی تولید برق کشور به ۸۸ هزار مگاوات رسیده است. بر این اساس نیروگاه‌های حرارتی شامل نیروگاه‌های بخاری، گازی و سیکل ترکیبی، سهم ۸۰.۷ درصدی از ظرفیت اسمی تولید برق کشور دارند و نیروگاه‌های برق‌آبی با ظرفیت اسمی ۱۲هزارو ۴۴۲ مگاوات، سهمی ۱۴.۱درصدی از ظرفیت اسمی تولید برق کشور را به خود اختصاص داده‌اند. انرژی‌های تجدیدپذیر هم کم‌ماکان زیر هزار مگاوات ظرفیت نصب شده و سهمی حدود یک درصد در ظرفیت اسمی تولید برق کشور دارند.

با وجود وابستگی بالای نیروگاه‌های برق ایران به گاز، ایران در تأمین کامل گاز مورد نیاز بازار داخلی ناتوان بوده و در مقاطعی نیازمند واردات گاز می‌شود. حسین افضلی، مدیرعامل سابق برق منطقه‌ای مازندران و گلستان به «شرق» می‌گوید که قیمت‌گذاری دستوری مانع بزرگ توسعه سرمایه‌گذاران در بخش نیروگاه‌های برق بوده است. او می‌گوید با وجود آنکه ایران پتانسیل خیره‌کننده‌ای برای تولید برق خورشیدی دارد، اما همین

قیمت جدید رب گوجه اعلام شد

به گفته دبیر سندیکای صنایع کنسرو ایران، حداکثر قیمت هر قوطی رب گوجه‌فرنگی ۸۰۰گرمی ۴۵ هزار تومان تعیین شد. سیدمحمد میررضوی در گفت‌وگو با ایسنا، از تعیین قیمت جدید رب گوجه‌فرنگی بعد از چهار ماه خبر داد و گفت:تولیدکنندگان باید قیمت‌های جدید را در سامانه جامع تجارت با تعیین برند درج کنند تا با تأیید سازمان حمایت، قیمت‌ها در سامانه ۱۲۴ نیز اعلام شود. او افزایش قیمت گوجه‌فرنگی و هزینه‌های تولید را دلیل افزایش قیمت رب گوجه عنوان کرد و گفت: انتظار می‌رفت قیمت گوجه کاهش پیدا کند؛ اما این اتفاق نیفتاد و درحال‌حاضر با اینکه در زمان اوج تولید هستیم، قیمت گوجه در کارخانه کیلویی چهارهزارو ۲۰۰ تومان است. البته درخواست سندیکا برای قیمت رب گوجه ۵۴ هزار تومان بود، اما قرار شد فعلا با دولت همکاری کنیم و قیمت ۴۵ هزار تومان تعیین شود.



پیری دیجیتال والدین، مانع گفت‌وگودر خانواده

این نسل کمتر می‌شود و برعکس رسانه و فناوری به منبع رجوع و همیشه در دسترس و به‌روز نسل جدید تبدیل می‌شود. نتیجه چنین تغییراتی برافتادن پرستیژ و جایگاه مرجعیت نسل قبلی است و کنش ارتباطی و تعاملی آنها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. همچنین ضریب نفوذ بالای رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی در بین نسل فرزندان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، منجر به شکل‌گیری و توسعه تعاملات و ارتباطات درون‌نسلی آنها و کاهش حضور و مرجعیت والدین شده است. در رسانه فرزندان با هم‌نسل‌های خود به‌راحتی اطلاعات، باورها و تجربه‌هایشان را با هم به اشتراک می‌گذارند، آزادانه و راحت مشورت می‌کنند، دردلد می‌کنند و...؛ چیزی که والدین به دلیل فقر سواد دیجیتال از آن عاجز هستند. درواقع والدین به دلیل نداشتن سواد فناورانه و دیجیتال، از توان و فرصت گفت‌وگو با نسل فرزندان تکنوفیل و بومیان فناوری محروم می‌شوند؛ زیرا هنوز بسیاری از والدین حضور و ظهور رسانه به‌عنوان یک پل ارتباطی را باور نکرده‌اند و آن را به‌عنوان یک زمینه و عرصه بحث و تعامل بین نسلی به رسمیت نمی‌شناسند.

«استادیارابطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وقتی این تغییر ارزشی صورت می‌گیرد، این انسان قبلی گویا چیزی که قبلاً برایش ارزش داشته، حالا برایش بی‌ثبات و ثقل‌لق می‌شود و آن‌قدر برایش در ارجحیت نیست که بخواهد آن ارزش را با دیگران و نسل‌های بعدی به بحث بگذارد. به عبارتی نسل قدیم گویا وقتی ارزش‌ها و میزان اهمیت و ارج و قرب آنها را با ارزش‌ها و هنجارهای فناوری‌محور مقایسه می‌کند، تصور کهنگی و به‌دردنخوری می‌کند. گرچه این تفکر اشتباه است، اما ضربه بزرگی را به تعامل بین نسلی وارد می‌کند. ضربه این است که نسل قدیم احساس می‌کند ارزش‌ها، هنجارها و داشته‌هایش به درد زندگی و نیازهای نسل جدید نمی‌خورد و ارزش به‌اشتراک‌گذاری ندارد و بنابراین وارد گفت‌وگو نمی‌شود. عامل مهم دیگر در کاهش ارتباطات و گفت‌وگو بین نسلی، «پیری دیجیتال والدین» است. نسل قدیم توانایی و قدرت سازگاری و همگامی با تغییرات فناورانه و پیامدهای آن نظیر سرعت و شدت مبادله اطلاعات و ارزش‌ها و هنجارها را از دست می‌دهد و دچار پیری دیجیتال می‌شود؛ در نتیجه تجربه زیسته و دانش و اطلاعات برای نسل جدید جذابیت ندارد و مشکل‌گشا و کارساز نیست. بر همین اساس، میزان مراجعه به

ادامه از صفحه اول

صداوسیما ی سلیقه‌ای، شبکه‌های اجتماعی فیلترگذاری شده، اینترنت کم‌سرعت، اطلاع‌رسانی محدود و... وضعیت نابسامانی را در حیطه آگاهی‌رسانی ایجاد کرده است. بر این نکته باید تأکید داشت که نبود احزاب و تشکل‌های مدنی قوی ازجمله موارد دیگری است که به تشدید فساد کمک می‌کند. هیچ حزبی وجود ندارد که بر کار سازمان‌های دولتی و مجلس نظارت کند. اگر احزاب قوی وجود داشته باشند، جایی برای یکه‌تازی اختلاسگران دولتی نخواهد بود؛ زیرا احزاب قادرند نظم نوین سیاسی را حاکم کرده و بر فعالیت قوه مجریه و مقننه نظارت داشته باشند. اگرمن، صاحب‌نظری است که دو استراتژی را برای کاهش فساد عنوان می‌کند؛ یکی بالا بردن سود درست‌کاری و دیگری افزایش هزینه مبادرت به فساد. بدیهی است که این دو در کنار هم می‌توانند در راستای کاهش فساد کمک کنند. از دیگر راهبردهایی که برای مبارزه با فساد مطرح می‌شود، کاهش قدرت و اختیارات مدیران دولتی یا مقررات‌زدایی به نحو مطلوب است. راهکار دیگر افزایش پرداختی‌های کارکنان دولت براساس حساسیت مسئولیت آنها و جدی‌ترکردن مقابله با تخلفات است. شکست قدرت انحصاری دیوان‌سالاران و دارندگان امضاهای طلایی، راهی است که قدرت بوروکرات‌های فسادپذیر را کم می‌کند.

فساد بنیان افکن بی‌پرده

ادامه از صفحه اول

براساس گفته آبراهامیان، رضاشاه که یک قزاق بود و ثروت چندانی نداشت، در هنگام خروج از ایران ثروتمندترین فرد ایران بود. براساس اسناد سفارت انگلیس، رضاشاه ملاکان بزرگ را مجبور به تغییر مالکیت زمین‌های‌شان به نام خود می‌کرد. این بر حقیقت فساد سازمان‌یافته از بالااست. اما پرسش اساسی اینجاست که ریشه‌های فساد در کجاست؟ عمده‌ترین ریشه فساد را باید در نحوه چینش نیروها جست‌وجو کرد. در حقیقت انتصاب مدیرانی که براساس پارتی‌بازی است، این فرصت را به عده‌ای می‌دهد که از موقعیت خود سوءاستفاده کنند. مسئله بعدی وجود قوانین فسادزا یا برخی خلاهای قانونی است. نبود برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی، فضای امنی برای اختلاسگران ایجاد می‌کند که هر کاری که بخواهند، انجام می‌دهند. نکته‌ای که بسیار مهم است، نبود رسانه‌های آزاد به معنی اعم کلمه است. این سخن مهم آدموند بورگ، نظریه‌پرداز انگلیسی را همه به خاطر دارند که «مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند». اکنون رسانه‌ها از دوران دهکده جهانی مارشال مک لوهان و عصر کلبه جهانی هم گذر کردند و وارد عصر «مناورس» شده‌اند، در جامعه ما هنوز اندر خم یک کوچه‌اند. مطبوعات ناآزاد،

یادداشت

گمانه‌های بنزینی



محمد ابراهیمی
کارشناس صنایع پایین دستی نفت

قیمت اغلب کالاها و خدمات در سال‌های اخیر جهش قابل ملاحظه‌ای داشته و تقریباً همه نیازهای اساسی مردم افزایش قیمت‌ها را تجربه کرده‌اند. به جرئت می‌توان گفت؛ سوخت مایع (در اینجا بنزین و گازوئیل) تنها کالاهایی هستند که قیمتشان از سال ۱۳۹۸ تا امروز ثابت مانده است.

البته این ثبات قیمت به معنی آن نیست که هیچ‌گاه دولت‌ها تمایلی به افزایش قیمت سوخت مایع نداشته‌اند، چراکه صاحب‌های افراد منتصب به آنها همواره این انتخاب را از گزین‌های موجود روی میز تصمیم‌گیری نشان داده است.

به همین سبب می‌توان ادعا کرد که فقدان اجماع میان تصمیم‌گیران در حوزه اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین عامل عدم افزایش قیمت بنزین و گازوئیل طی چند سال اخیر بوده است.

با روی‌کارآمدن تیم مدیریتی جدید در پاستور و اجرای طرح‌هایی که با عنوان عادلانه‌سازی پارانها با جراحی اقتصادی و امثالهم از آنها یاد می‌شود، مزمه افزایش احتمالی قیمت بنزین بیش از قبل به گوش می‌رسد و حتی تکنذیه‌های رسمی نیز هیچ‌گاه موجب اقناع جامعه نشده و همچنان افزایش احتمالی قیمت سوخت مایع متصور است.

بررسی آمارهایی که بعضاً به صورت همدفا در از سوی مراجع ذی‌مدخل در تولید و توزیع فراورده‌های نفتی ارائه می‌شود در کنار کسری محتمل بودجه (که این یکی دهه‌هاست بر اقتصاد کشور سایه انداخته است) ناخودگاه ذهن جامعه را به سوی احتیاج دولت به افزایش قیمت بنزین و گازوئیل سوق می‌دهد.

برای ایجاد این ذهنیت نیازی نیست که موضوع از منظر کارشناسان مشاهده شود، بلکه مردم عادی نیز با تکیه بر حافظه تاریخی و سابقه ذهنی نیز می‌توانند برنامه‌های احتمالی در این حوزه را پیش‌بینی کنند.

دقت در وعامل «تغییر موازنه تولید و مصرف بنزین» به نفع مصرف و «کسری بودجه» دولت حاکی از آن است که باورناپذیربودن عدم افزایش قیمت بنزین در سطح جامعه بی‌دلیل نیست!

چندی پیش یکی از مسئولان شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران میانگین مصرف روزانه بنزین کشور طی چهار ماه ابتدای سال ۱۴۰۱ را حدود ۱۰۱ میلیون لیتر اعلام کرده بود. این در حالی است که بنا بر اعلان معاون وزیر نفت میزان تولید داخلی روزانه بنزین چیزی در همین حدود و «حداکثر» تا سقف ۱۰۴ میلیون لیتر است. ارائه این آمارها نشان از ناپایداربودن میزان موازنه تولید/مصرف بنزین در کشور است.

به‌طوری‌که با ایجاد تقاضای بیشتر به‌ویژه در فصل پرمصرف مسافرت یا هنگام بروز ضرورت‌های عملیاتی ناشی از تعمیرات واحدهای پالایشگاهی و مواردی از این دست حتی با وجود ذخائر استراتژیک احتمال بروز اختلال در توزیع سوخت وجود خواهد داشت.

براساس تبصره (۱۴) قانون بودجه، مبلغ درآمد پیش‌بینی‌شده دولت در سال ۱۴۰۱ از محل فروش داخلی فراورده‌های نفتی که عمدتاً شامل بنزین و گازوئیل است تفاوت معناداری با مبلغ مصوب سال ۱۴۰۰ نداشته است و این نشان می‌دهد که در «بودجه مصوب» برنامه‌ای تحت عنوان افزایش قیمت بنزین و گازوئیل پیش‌بینی نشده است.

موضوع دیگری که می‌تواند برهم‌زننده این پیش‌بینی باشد، عدم تحقق برخی از درآمدهای دولت در سایر بخش‌هاست که عدم تحقق درآمد صادرات انواع فراورده‌های نفتی (عمدتاً مربوط به صادرات نفت‌کوره و تا حدودی بنزین و سایر فراورده‌ها) می‌تواند یکی از عوامل کسری بودجه سال جاری لقب بگیرد، چراکه با نزدیک‌شدن به نقطه اوج مصرف بنزین عملاً امکان صادرات آن وجود نخواهد داشت و با فرارسیدن فصل سرما نیز سیاست‌گذاران حوزه تأمین و توزیع فراورده‌های نفتی ناگزیر خواهند بود تا به‌منظور جبران کسری احتمالی گاز، مسیر نفت‌کوره‌های صادراتی را به سوی نیروگاه‌های کشور منحرف کنند.

این محدودیت‌ها در کنار سایر معضلات بودجه‌ای می‌تواند موجب کسری بودجه شود و دولت را وسوسه به اتخاذ تصمیمات دیگر در حوزه قیمت‌گذاری بنزین و گازوئیل در مقطع اصلاح بودجه سال جاری و زمان ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کند.

اینها بخشی از دلایلی است که از نظر کارشناسان و در نظر عامه مردم دولت را مشتاقی به افزایش قیمت بنزین از طرق مختلف نظیر قیمت‌گذاری پلکانی و تعیین سهمیه و ایجاد محدودیت بیشتر برای هر سطح از قیمت می‌داند. اما در این میان وظیفه سیاست‌گذاران چیست؟ بر کسی پوشیده نیست که آشفتنگی روانی جامعه ناشی از رکودرزی روزانه قیمت‌ها و تورم دورقمی چندین ساله که مورد ادعای همه مسئولان کشور در هر سطحی قرار گرفته اخیراً با اظهاراتی نظیر کمبود احتمالی بنزین (که ناخودگاه ذهن جامعه را به استفاده دولت از ابزار قیمتی برای مدیریت مصرف متبادر می‌کند) در معرض خطر بیشتری قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد ایجاد تعلیق درخصوص ذهنیت مردم پیرامون قیمت بنزین می‌تواند آسیب‌زا باشد؛ بنابراین هم‌صدایی همه ارکان اجرایی و تقنینی و تدبیر در خبررسانی می‌تواند در چنین موقعیتی کمی آرامش را به جامعه بازگرداند.

اگر دولت برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین و گازوئیل در سال جاری ندارد (که براساس اعلان رسمی سخنگوی دولت و برخی دیگر از مقامات مسئول این چنین است) لازم است مسئولان دولتی به‌جای هشدار هم‌زمان با اعلان آمارهای مربوط به تولید و مصرف بنزین، برنامه‌های عملیاتی خود را در حوزه تأمین و توزیع سوخت مایع در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار دهند و با شفافیت راهکارهای خود را برای برقراری موازنه منطقی بین تولید و مصرف در سال جاری اطلاع‌رسانی کنند.

برای مثال اگر تصمیم بر جبران کسری احتمالی از طریق واردات بنزین، بهره‌گیری از پتروشیمیایی یا هر روش دیگری باشد لازم است اثرات و تبعات آن برای عموم جامعه به صورتی شفاف اعلام شود تا کمترین آسیب‌ها در فاز اجرایی واقع شود. حتماً این مدل از تعامل بین مردم و مسئولان از طریق اطلاع‌رسانی برنامه‌های عملیاتی جبران کسری احتمالی بنزین، مهم‌ترین نیاز امروز جامعه در این حوزه است و کمک بسزایی به اداره امور خواهد کرد.